



قرض الحسنه از نظر اخبار

پدیدآورنده (ها) : حقانی، حسین

فلسفه و کلام :: نشریه درسهایی از مکتب اسلام :: خرداد ۱۳۶۷، سال ۲۸ - شماره ۲

صفحات : از ۴۸ تا ۵۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/53409>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- شرط ضمان امین در فقه امامیه
- بررسی فقهی قرض اسکناس و تاثیر تورم بر آن
- قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن
- حرمت مؤبد و مصادیق آن در حقوق ایران و مصر
- تاریخ ری و شخصیت حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع)
- عقد قرض، عقدی عینی یا رضایی؟ با رویکرد به آرای حضرت امام خمینی
- عقد قرض
- دشت تهران در دوران اسلامی
- عقود امانی غیرمضمونه و مضمونه
- صندوق های قرض الحسنه؛ ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور
- عبدالعزیز بن باز - عالم فقده الأمة ۱۳۳۰ - ۱۴۲۰ ه
- حجیت علم قاضی

عناوین مشابه

- فقه سیاسی اسلام (۹): اصل لزوم حکومت از نظر اخبار
- گزارش کارشناسی درباره عملکرد صندوق قرض الحسنه حمایت از فرصت های شغلی
- ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها (DEA) (مورد مطالعه: شعب صندوق قرض الحسنه ولی عصر (عج) بابل)
- گزارشی از صندوق قرض الحسنه تعاونی صنفی
- گزارشی از صندوقهای قرض الحسنه
- اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهکها)
- ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده های پانل بین استانی)
- دنیا و مال دنیا (۳): بررسی دوستی دنیا از نظر اخبار و روایات
- اعطای وام قرض الحسنه زندانیان ناشی از جرایم غیر عمدی
- بررسی وقف و امکان توسعه نظام قرض الحسنه (موسسه تامین مالی خرد) از طریق مال موقوفه

حسین حقانی زنجانی

قرض الحسنه از نظر احباب

در دنباله مسأله قرض از دیدگاه قرآن " باین مسأله می رسیم که آیات متعددی در سوره های مختلف قرآن از جمله در سوره مائده / ۱۴ و حدید / ۱۸ - بقره ۴۵ - مزمل / ۲۰ و ... در حدود ۱۰ آیه برمی خوریم که با مختصر تفاوتی با یکدیگر همه آنها در اهمیت قرض و فضیلت متفقند مثلاً در سوره حدید آیه / ۸۸ می فرماید:

" ان الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفَ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ "

" مردان و زنان انفاق کننده و آنها از این طریق به خدا قرض دهند
برای آنها مضاعف می شود و پاداش پر ارزشی دارند "

چنانکه ملاحظه می کنید این آیه ضمن بیان اهمیت و فضیلت قرض درگشایش مشکلات جامعه، اجر مضاعف و پاداش نیکو با ارزش آنها نیز بیان می کند. منتهی کلمه کریم در این آیه لطف دیگری دارد و آن اینکه خداوند در برابر قرض الحسنه، حسنه و اجر می دهد و لکن انتظاری در برابر این اجر و حسنه از بنده خود ندارد و معنای کریم نیز بهمین معنا دلالت دارد و آن نیز از لطف و زیبایی خالی نیست زیرا خداوند در برابر عمل نیکویی که یک گناهکار انجام می دهد و بدیگری از مال خویش انفاق و قرض الحسنه می دهد پاداش می دهد که در مقابل این پاداش و اجر نیز هیچ انتظاری از بنده خود ندارد و بالاتر اینکه

همه بندگان را بسوی این پاداش همراه با کرامت فرا می خواند آنجا که می فرماید:
 "مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفَهُ لَهُ" (بقره / ۲۴۵) "کیست
 آن کسی که بخدا قرض نیکویی بدهد و خدا آنرا چندین برابر می کند (و بها و باز
 می گرداند)

قرض الحسنه در قرآن در ردیف نماز و روزه

خدا در آیه دیگری عمل قرض الحسنه را در ردیف نماز و زکوه می آورد و
 می فرماید:

"أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَءُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (مزل / ۲۰) "نماز
 بپا دارید و زکوه بدهید و بخدا قرض دهید قرض نیکویی"
 از این آیه چند نکته دیگر نیز استفاده می شود:

اولا - اینکه خداوند قرض الحسنه را در ردیف و سیاق نماز و روزه ذکر می کند
 که خود این اهمیت فوق العاده عمل قرض را ثابت می کند.

و ثانيا میرساند که عمل بندگان تنها نماز و زکوه نیست بلکه قرض الحسنه
 دادن نیز لازمست سپس آنرا با کلمه " اقرضوا " بصیغه امر آورده است گرچه امر
 در اینجا بمعنای فقهی خود یعنی وجوب قرض نیست و لکن بقصدی این سنت
 الهی و این عمل مستحب اهمیت دارد که لازمست همواره شعار مسلمانان قرار گیرد
 و لازمست عمل مستحب قرض دادن شیوه نیکوی هر مسلمانی باشد زیرا چه بسا
 بارواج این عمل در جامعه ای، جامعه ایده آل اسلامی بوجود آید.

شما خوانندگان، دیدگان خود را به همه جوانب مختلف جامعه ها بیاندازید،
 تنها یک مورد را نبینید اگر همه مسلمین در همه جای دنیا در یک جامعه وسیع
 اسلامی در همه شوون زندگی خود این عمل را معیار و ملاک خود قرار داده بمقدار
 وسیعی که دارند بآن اقدام کنند آیا فقری و فاقه ای و بینوائی در آن جامعه پیدا
 می شود؟ آیا جامعه، دیگر به قطب ها و بدو قطب سرمایه دار و بینوا و فقیر
 تقسیم می گردد؟ آیا جامعه مسلمین در این صورت عزت پیدا نمی کند و نیاز آنها
 از بیگانگان که همیشه با استعمار و استثمار همراه است قطع نمی شود؟

آیا فقری که بموجب کلام گه‌ریار علی (ع) مرگ بحساب آمد (الفقر، الموت الاکبر) اگر از یک فرد یا خانواده و یا جامعه زایل شود این، سبب نمی‌گردد که خیلی از گناهان و گرفتاریها از قبیل سرقت و راهزنی و خیانت به امانت و غیر اینها از جامعه رخت بریندد؟

و در آیه دیگری در سوره مائده / ۱۲ با اسلوب دیگری اهمیت قرض دادن را چنین بیان می‌کند و می‌فرماید: "وَ اقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا يَكْفِرُنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ" بخدا قرض نیکو دهید (و سود نخواهید) گناهان شمارا بیامرمز" در این آیه خداوند علت آموزش گناهان و پوشانیدن گناهان را قرض دادن می‌داند و بصورت قضیه شرطیه، ملازمه و رابطه علی و معلولی میان قرض دادن و آموزش گناهان قائل می‌شود که این خود خالی از نکته نیست.

چهار مساله اساسی در باب قرض

از مجموع روایاتی که در کتب معتبر احادیث وارد شده چهار مساله اساسی در باب قرض مطرح می‌گردد:

۱- استحباب موکد بودن قرض و مذمت از امتناع قرض دادن در حالیکه صاحب قرض محتاج بآن باشد.

۲- مذموم بودن اظهار نیاز دیگری و قرض خواستن از غیر جز در صورت نیاز شدید بآن.

۳- در صورت قرض گرفتن خودداری از اداء قرض و کوتاهی و مسامحه در آن در اخبار معتبر مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است.

۴- مهلت دادن به قرض گیرنده در صورتیکه اداء آن برای قرض گیرنده سخت و همراه با فساد باشد و حتی تحلیل آن و بیان وظیفه حاکم وقت در این هنگام.

۱- مساله اول ثواب قرض دادن و مذمت از کسانی که در انجام نیاز دیگران بی‌اعتنا هستند.

در روایات کثیر در کتابهای معتبر احادیث از قبیل امالی صدوق ص ۴۳۰ - اصول کافی ج ۵ / ۲۰۰ - تفسیر علی بن ابراهیم ج ۲ / ۳۵۰ و غیر اینها، قرض دادن و حل مشکل برادر دینی و در نتیجه گشودن مشکلات جامعه، یک امر نیکو و بعنوان یک عمل مستحب بشمار آمده و معنای عمل مستحب این است که خدا از این عمل راضی و خوشنود بوده و در برابر آن ثواب و اجر دنیوی و اخروی نه یک برابر بلکه چند برابر عطا می فرماید چنانکه در بحث " قرض از دیدگاه قرآن " در مقاله گذشته چند آیه که در این باره صراحت داشت از نظر خوانندگان گذشت (مراجعه کنید)

از باب نمونه چند روایت در اینجا نقل می کنیم :

۱- رسول اکرم (ص) فرمود: **مَنْ أَحْتَاَجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ** " کسیکه برادر مسلمان او نیاز به قرض داشته و او قدرت براین کار را داشته باشد و مشکل او را حل ننماید خداوند بوی بهشت را براو حرام می گرداند "

از این روایت چند مطلب مهم قابل استفاده است :

اولا - اینکه قرض دادن یک مساله عاطفی و از لوازم اخوت و برادری و از لوازم ایمان می باشد و اسلام با مساله قرض دادن می خواهد عواطف انسانها را بیدار و آنها را صاف و خالص گرداند .

ثانیا- شرط رفع نیاز برادر مسلمان در صورت قدرت و امکان است نه در غیر

این صورت .

ثالثا در صورت امکان و قدرت بر قرض دادن ، اگر از این عمل انسانی و وجدانی امتناع کند خداوند او را از لذات بهشت و نعمتهای روحی و جسمی آن محروم می گرداند .

و بطور کلی این روایت هم جنبه عاطفی قرض وهم جنبه انسانی و مساله معامله خداوند با قرض دهنده در صورت امتناع را بخوانندگان تذکر می دهد .

در برخی از روایات عمل قرض دادن با سایر اعمال نیکو و خدا پسندانه

مقایسه شده مثلا قرض با صدقه و فضیلت قرض دادن و ثواب بیشتر از صدقه ذکر شده است.

چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: **عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبٌ: الْقُرْضُ ثَمَانِيَةَ عَشْرٍ وَ الصَّدَقَةُ بَعَثْرَةَ**

" بالای در بهشت این حمله نوشته شده است که قرض ۱۸ درجه اجر دارد و صدقه ۱۰ درجه"^۱

اینجا جای سئوالی است که چرا قرض دادن از صدقه دادن بیشتر ثواب و فضیلت دارد درحالیکه در قرض دادن اصل مال محفوظ و در صدقه دادن اصل مال از بین می رود و منتقل به شخص فقیر می گردد این، اقتضاء می کند که صدقه بیشتر ثواب داشته باشد از قرض دادن؟

پاسخ این سؤال را امام صادق (ع) جالب در ذیل همین روایت به صراحت بیان می کند و میفرماید

وَ ذَلِكَ أَنَّ الْقُرْضَ لِأَيُّكُونَ إِلَّا فِي بَدِّ الْمَحْتَاجِ وَ الصَّدَقَةُ رِبًا وَقَعَتْ فِي يَدِ غَيْرِ مُحْتَاجٍ " مال قرض داده شده قرار نمی گیرد جز در دست نیازمند و اما صدقه چه بسا ممکن است در اختیار غیرنیازمند قرار بگیرد"

در توضیح این کلام اینگونه باید گفت که چون قرض گرفتن بالاخره پس دادن لازم دارد در این صورت قرض گیرنده حتما نیاز بآن دارد که ناچار شده است که مالی را که باید بالاخره بعد از مدتی بپردازد از دیگری قرض بگیرد اما در مورد صدقه ممکن است که صدقه گیرنده محتاج و نیازمند نباشد ولی خود را نیازمند نشان داده تا از مالی مجانی بدست آمده استفاده کند.

بهمین معنی نیز خود امام ششم شیعیان در ذیل روایت دیگری که از "ثواب الاعمال" ص ۱۲۴ نقل شده اشاره شده آنجا که می فرماید: **"وَ إِنَّمَا صَارَ الْقُرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرَضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مِنْ لِاحْتِاجٍ إِلَيْهَا"** چرا قرض دادن افضل از صدقه قرار داده شده است؟ برای اینکه قرض گیرنده اقدام بقرض گرفتن نمی کند جز در صورت نیاز (زیرا بالاخره

۱- تفسیر علی ابن ابراهیم ج ۲ / ۳۵۰

مال قرض گرفته شده باید در موقع خود پرداخت گردد) و اما در صدقه ممکن است که صدقه دهنده محتاج به آن نبوده و لکن صدقه را می گیرد " شاید همین

نکته مراد پیامبر گرامی اسلام باشد آنجا که می فرماید:

" أَلْفُ دِرْهَمٍ أَقْرَضُهَا مَرْتَبِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً... " ۲

" هزار درهم را اگر دو مرتبه، قرض بدیگری بدهم دوست تر دارم از اینکه آن را یک مرتبه بکسی صدقه بدهم زیرا با صدقه دادن دیگر مال از جریان می افتد و در اختیار یک فرد و تنها برای استفاده او قرار می گیرد اما در قرض دادن های متوالی چون اصل مال باقی است مال به جریان می افتد و به مقدار وسیعی از مشکلات افراد یا خانواده ای و یا جامعه ای راحل می نماید.

ممکن است جهت برتری قرض بر صدقه یعنی جائیکه امر دایر است بیسن اینکه مالی را بقرض بدهیم و از این طریق مشکل برادر مسلمان یا مسلمانهایی را برآورده سازیم و یا به نیازمندی بعنوان صدقه بدهیم از نظر پیشوایان اسلام اولی بهتر و ترجیح دارد و ممکن است جهت آن غیر از نکته بالا این باشد که عمل قرض دادن در حقیقت تایید شرافت و کرامت یک انسانی یا انسانهایی بلکه یک جامعه است که خود را نتوانسته است حاضر کند که صدقه بگیرد تا مبادا از این طریق از عضو فعال جامعه بودن خارج و بصورت عضو راکد و بی فایده و کسل بر جامعه درآمد، اسلام نمی خواهد فقیر و صدقه بگیر یعنی انسان های ضعیف و کل و عضو بی فایده تربیت کند در برنامه های اسلام چنین برنامه ای وجود ندارد بلکه می خواهد انسانها بکار و فعالیت و کوشش و تقلا بیفتند و فعالیت های صنعتی - کشاورزی - دامداری و تجارت و غیر از اینها از شغل های شرافتمندانانه داشته باشند و احيانا اگر مشکلات مالی داشته باشند از طریق قرض الحسنه که با کرامت و شرافت انسان سازگار است و غیر آن باین کار اقدام نمایند.

باین نکته ظریف اجتماعی و اقتصادی و روحی امام صادق (ع) اشاره می کند

آنجا که می فرماید:

" إِنَّ أَجْرَ الصَّدَقَةِ ثَمَانِيَةَ عَشْرَ ضِعْفًا مِنْ أَجْرِ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْقَرْضَ يَصِلُ إِلَى مَنْ

لَا يُضَعُّ نَفْسَهُ لِلصَّدَقَةِ لِأَخْذِ الصَّدَقَةِ" " البته اجر و ثواب صدقه ۱۸ درجه مضاعف از اجر صدقه است زیرا قرض می‌رسد بدست کسیکه (کرامت و آبروی خود را حفظ کرده و) حاضر نشده صدقه بگیرد.

آری همان حاضر نکردن انسان خودش را برای اخذ صدقه که موجب ذلت و حقارت انسان می‌شود یعنی حفظ شرافت و کرامت بقدری در نظر اسلام اهمیت دارد که انسانها را تشویق می‌کند در صورت نیاز به چیزی قرض بگیرند و لکن حاضر بگرفتن صدقه نشوند که موجب خذلان و سقوط از کرامت انسانی است.

مقایسه قرض دادن با صلّه رحم

۲- در برخی از روایات قرض دادن با صلّه رحم مقایسه شده با اینکه ثواب صلّه رحم در روایات اسلامی بیشتر از صدقه و قرض دادن ذکر شده و مطابق روایات معتبر صلّه رحم ۲۴ درجه فضیلت دارد یا وجود این در برخی از روایات معتبر نقل شده از امام صادق (ع) که می‌فرماید:

" لِأَنَّ أَقْرَبَ قَرْضًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصِلَ بِعَثَلِهِ " " از اینکه من قرض بدهم دوست‌تر دارم از اینکه صلّه رحم انجام دهم "

حال این مسأله مطرح است که چه نکته ای در آن وجود دارد که امام ششم (ع) قرض دادن را بر صلّه رحم ترجیح می‌دهد؟ شاید نکته برتری قرض بر صلّه رحم این باشد که در صلّه رحم مسأله عاطفه و احساسات و ملاحظه روابط خویشاوندی مطرح است و چه بسا این خصیصه روانی - عاطفی یعنی ملاحظات خویشاوندی داعی براین عمل باشد و داعی تحصیل رضای الهی در آن نباشد یا کمتر باشد اما در قرض دادن بیک فرد بیگانه و اجنبی که خارج از دایره خویشاوندی و همگونی خونی می‌باشد در اغلب موارد داعی بر اینکار جز تحصیل رضای الهی و حل مشکل او بجهت کسب رضوان الهی نمی‌باشد.